

# تورم،

## افزایش قیمت و دلایل آن

هوشنگ فاخر  
عضو هیات نمایندگان اتاق ایران

قیمت بالاتر بهای تولیدات داخلی و تورم یکی از دغدغه‌های دولت در کنترل قیمت‌ها، پایداری تولید و اشتغال و رشد و توسعه سرمایه‌گذاری و تولید می‌باشد که از عوامل اصلی آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- افزایش قیمت جهانی کالا، حمل و نقل و ... را که در نتیجه افزایش بهای نفت که یک پدیده فراملی بوده و خارج از کنترل دولت می‌باشد، فقط می‌توان با تمهیدات منطقی و چاره ساز اثرگذاری آنرا کاهش داد.
- ۲- بزرگی بدنه دولت که عامل اصلی فزونی هزینه‌های دولت نسبت به درآمد آن است و در نتیجه برای تامین هزینه‌های خود اقدام به استقراض کرده که منجر به تورم می‌شود. البته دولت با اصلاح اصل ۴۴ قانون اساسی و روش‌های دیگر پیگیر کوچکتر کردن بدنه خود است. افزایش بهای نفت نیز می‌تواند به شرط هزینه آن در بخش‌هایی که تورم زانباشند، به عنوان وسیله کنترل تورم مورد استفاده قرار گیرد.
- ۳- سرمایه‌گذاری‌های عمرانی که مورد درخواست مردم بوده ولی از طرف دیگر، به دلیل پرداخت هزینه‌های انجام طرح‌ها که علیرغم پرداخت آنها و افزایش تقاضا در بازار به دلیل دراز مدت بودن بازده آنها (۳۰-۲۰ ساله) که در قالب عرضه کالا و خدمات انجام می‌گردد، تورم ساز می‌باشند.
- ۴- قوانینی که تصویب آنها عامل افزایش هزینه‌های بخش دولتی، تعاونی و خصوصی بوده ولی کالای تولیدی یا خدمات حاصله ارزشی برابر صفر یا کمتر از افزایش هزینه مربوطه داشته لذا عامل افزایش قیمت و تورم می‌باشند.
- ۵- واحدهای تولیدی یا خدماتی که به دلایل مختلف از جمله کمبود نقدینگی، کالا یا خدمات ارابه شده کمتر از ظرفیت کامل تولید ایشان بوده و ضرر ده می‌باشند. توجه به این امر ضروری است که پرداختی‌های یک واحد زیان ده به عوامل تولید بیش از تولید به دست آمده در آن واحد بوده و در مجموع کشور، کل واحدهای زیان ده باعث افزایش بیشتر تقاضای کل نسبت به عرضه کل شده و باعث تورم و افزایش قیمت‌ها می‌شوند.

با عنایت به مراتب فوق و توجه به بهره‌برداری غیرکافی از واحدهای تولیدی کشور به شرح جدول شماره یک که از آمار دریافتی از صاحبان و مدیران کارگاه‌های بزرگ صنعتی (کارگاه‌های صنعتی با حداقل ۱۰۰ نفر کارکن) به دست آمده، این گزارش برای رسیدگی و توجه بیشتر به این مشکل تهیه شده است.



جدول شماره یک

توزیع کارگاه‌های مورد بررسی بر حسب درصد بهره‌برداری از ظرفیت تولیدی

(واحد: درصد)

ردیف	میزان بهره‌برداری از ظرفیت تولیدی	میانگین	۶ ماهه اول سال ۸۲	۶ ماهه اول سال ۸۳	۶ ماهه اول سال ۸۴	۶ ماهه اول سال ۸۵
۱	۰-۲۰	۱۰	۷	۶/۴	۶/۶	۶/۳
۲	۲۱-۴۰	۳۰/۵	۱۴/۴	۱۳/۳	۱۵/۳	۱۵/۱
۳	۴۱-۶۰	۵۰/۵	۲۱/۲	۲۲/۸	۲۰/۶	۲۲/۶
۴	۶۱-۸۰	۷۰/۵	۲۶/۲	۲۷	۲۹/۶	۲۷/۴
۵	بیش از ۸۱	۹۰/۵	۳۱/۲	۳۰/۵	۲۷/۹	۲۸/۶
	جمع		۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

ماخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

همانطوری که در جدول شماره یک ملاحظه می‌شود، در نیمه اول سال ۱۳۶۵ از واحدهای تولیدی کشور ۴۴ درصد با ظرفیت تولید بین ۰-۶۰ درصد ظرفیت اسمی که متوسط آن ۳۷/۸ درصد و یا ظرفیت تولید بین ۰-۸۰ درصد ظرفیت اسمی یا ظرفیت متوسط ۵۰/۳۵ درصد به کار خود ادامه می‌دهند که این نحوه عملکرد باعث افزایش قیمت تمام شده تولیدات ایشان طبق فرمول زیر می‌شود:

$$\text{میزان افزایش قیمت تمام شده واحد تولید} = \frac{\text{ظرفیت کامل تولیدی}}{\text{میزان بهره برداری از ظرفیت تولیدی}} \times \text{سهم هزینه ثابت در واحد تولید}$$

برای به دست آمدن ارقامی ملموس از اثر منفی کار با ظرفیت اندک واحدهای تولیدی که باعث بالا رفتن قیمت تمام شده در این واحدها و مشکل رقابت با کالاهای وارداتی (یا واحدهای مشابه داخلی که به دلیل نداشتن عارضه‌هایی که عامل کاهش ظرفیت تولیدی ایشان شده باشد، با ظرفیت بیشتر تولید می‌نمایند) شده و این امر در بازارهای درون مرزی و برون مرزی برای تولیدات ایشان مشکل ساز می‌باشد. با توجه به اینکه سهم هزینه‌های ثابت می‌تواند حدود ۳۰ درصد قیمت تمام شده باشد و در موارد دیگر، با محاسبه افزایش یا کاهش قیمت تمام شده با نرخ‌های بیشتر یا کمتر از هزینه ثابت، می‌توان آنرا با ضریب نسبت زیر محاسبه کرد (ارقام جدول شماره ۲ برای ۳۰ درصد هزینه ثابت محاسبه گردیده است).

$$\text{سهم هزینه ثابت با سهم ۳۰ درصد در قیمت تمام شده در کار با ظرفیت کامل} = \frac{\text{سهم هزینه ثابت بیشتر یا کمتر از کار با ظرفیت کامل}}{\text{ارقام جدول شماره ۲ ستون‌های ۵ یا ۷ حسب مورد}}$$

توجه به این مطلب نیز ضروری است که فعالیت با ظرفیتی زیر ۳۷/۸ و یا ۵۰/۳۵ درصد یعنی هدر شدن سرمایه‌گذاری‌های انجام شده روی واردات ماشین‌آلات، خرید ماشین‌آلات و تاسیسات داخلی ساختمان و ... ۶۰ یا ۸۰ درصد از واحدهای تولیدی به دلیل مستهلک شدن فیزیکی و تکنولوژی خطوط تولید دچار همین معضل شده اند که در صورت محاسبه دقیق آن شاید چندین برابر درآمد سالیانه نفت حتی با نرخ‌های امروزه باشد.

جدول شماره دو  
محاسبه افزایش سهم هزینه ثابت با کار در ظرفیت کمتر از ظرفیت کامل برای واحد تولید  
و درصد افزایش هزینه واحد

ردیف	درصد کارگاه‌های این ردیف نسبت به کل کارگاه‌های کشور	درصد میزان بهره‌برداری ظرفیت تولید به درصد	میزان میانگین ستون قبل	اثر افزایش سهم هزینه ثابت در واحد تولید	اثر درصد افزایش قیمت تمام شده با فرض سهم هزینه ثابت ۳۰ (هفت روز کار در هفته) در ظرفیت کامل (۱۲۷ درصد نسبت به کار سه شیفته)	اثر درصد افزایش قیمت تمام شده با فرض سهم هزینه ثابت ۳۰ (در هفته) در ظرفیت کامل (۱۲۷ درصد نسبت به کار سه شیفته)	اثر درصد افزایش قیمت تمام شده با فرض سهم هزینه ثابت ۳۰ (در هفته) در ظرفیت کامل (۱۲۷ درصد نسبت به کار سه شیفته)	درصد سهم افزایش قیمت واحد تولید با راندمان پایین نسبت به ظرفیت کامل ۳۰ درصد سهم هزینه ثابت (در کل تولید کشور)	درصد سهم افزایش قیمت واحد تولید با راندمان پایین نسبت به ظرفیت کامل ۳۰ درصد سهم هزینه ثابت (در کل تولید کشور)
۱	۶/۳	۰-۲۰	۱۰	۹۰۰	۲۷۰	۱۱۷۰	۳۵۱	۱۷	۲۲
۲	۱۵/۱	۲۱-۴۰	۳۰/۵	۲۲۸	۶۸	۳۱۶	۹۵	۱۰	۱۴
۳	۲۲/۶	۴۱-۶۰	۵۰/۵	۹۸	۲۹	۱۵۱	۴۵	۷	۱۰
۴	۲۷/۴	۶۱-۸۰	۷۰/۵	۴۲	۱۳	۸۰	۲۴	۴	۷
۵	۲۸/۶	۸۱-۱۰۰	۹۰/۵	۱۰/۵	۳	۴۰	۱۲	۱	۳
	۱۰۰							۳۹	۵۶

همانطوری که ملاحظه می‌شود، با شرایط فوق در صورت اصلاح شرایط تولید و توان تولیدی کشور، متوسط قیمت کالاهای تولیدی در شرایط کار سه شیفته به  $\frac{100}{100+39} = 0.72$  درصد و در شرایط کار چهار شیفته به  $\frac{100}{100+68} = 0.64$  درصد قیمت‌های فعلی کاهش خواهند یافت.

**با توجه به مراتب فوق:**

آیا منطقی نخواهد بود با عارضه یابی و تعیین علل کار با ظرفیت ناقص و پایین بودن بهره‌وری نیروی کار واحدهای تولیدی و در صورت امکان حل مشکل و رفع عارضه، زمینه کار در ظرفیت کامل و حتی ۷ روز هفته (۴ شیفته) ضمن افزایش زمینه اشتغال به میزان نیروی کار شاغل فعلی، کاهش قیمت‌ها و تورم را همراه با استفاده کامل از سرمایه‌گذاری‌های قبلی کشور که با عدم استفاده از آنها به دلایل فیزیکی، تکنولوژیکی و تغییر

سلیقه مصرف‌کنندگان از حیز انتفاع می‌افتند، با سرمایه‌گذاری صفر روی ماشین‌آلات و ساختمان و ... فراهم نماییم.

همانطوری که در جدول شماره دو ملاحظه می‌شود، با کار در ظرفیت کامل سه شیفته (۵/۵) روز در هفته) و یا کار در ظرفیت کامل و چهار شیفته (۷ روز کامل در هفته) در یک واحد تولیدی که سهم هزینه ثابت در واحد تولید حدود ۳۰ درصد قیمت تمام شده باشد، به ترتیب ۳۹ درصد و یا ۵۶ درصد به طور متوسط در کل واحدهای تولیدی باعث افزایش قیمت تمام شده خواهد بود. رقم اصلی در تولیدهایی با کمتر از ۲۰ یا ۴۰ درصد ظرفیت کامل به شرح جدول به مراتب بیشتر می‌باشند که می‌توان با عارضه یابی و رساندن واحدهای تولیدی به کار در ظرفیت کامل و کاهش قیمت تمام شده ضمن کاهش تورم و کاهش قیمت‌ها اکثر واحدهای مزبور را بدون سرمایه‌گذاری جدید روی ماشین‌آلات و خطوط

تولید به بهره‌برداری کامل از خطوط تولید، جذب نیروی کار و افزایش اشتغال رسانده و تولید ایشان را قابل رقابت با تولیدات مشابه رقبا در بازارهای درون مرزی و برون مرزی نمود. بدیهی است سود آور شدن واحدهای موجود انگیزه توسعه و سرمایه‌گذاری توسط سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی و افزایش تقاضا برای نیروی کار و در نتیجه بهبود شرایط نیروی کار خواهد بود.

نیروی کار از این اقدام در دو جهت بهره خواهد جست: اول، با افزایش تقاضا برای نیروی کار به طور معمول درآمد ایشان افزایش خواهد یافت، دوم به دلیل کاهش قیمت تمام شده و فروش کالاهای تولیدی به قیمت ارزانتر قدرت خرید مزد دریافتی ایشان افزایش و باعث ارتقای سطح زندگی ایشان خواهد شد.

امید آنکه این گزارش مورد عنایت مسئولین محترم دولت قرار گرفته و زمینه ساز افزایش تولید و ارزانی بهای کالاهای تولیدی باشد. □